

فاعل معنوی جرم و ارتباط آن با عناوین مشابه^۱

علی غلامی^۲

امیرحسین بحیرایی^۳

چکیده

استفاده از عامل بی‌گناه در ارتکاب جرم به این معنا است که مغز متفکر جرم بدون دخالت مادی، جرم را توسط فردی که فاقد عنصر روانی یا مسؤولیت کیفری است محقق می‌سازد. رابطه‌ی مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر و فاعل معنوی مورد ابهام است؛ چرا که در هر دو عنوان، فردی به دلیل ارتکاب عنصر مادی جرم از سوی دیگری مسؤول شناخته می‌شود. این مقاله در جهت رفع ابهام از این موضوع، پیرامون مصادیق فاعل معنوی و شرایط مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر بحث می‌کند و نتیجه آن که، فاعل معنوی در جرایم غیر عمدی مصداق ندارد و لذا ارتباطی میان این اصطلاح با مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر موضوع ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی که اختصاص جرایم غیر عمدی دارد متصور نیست و رابطه‌ی میان این دو، از نوع تباین است.

واژگان کلیدی: فاعل معنوی جرم، مباشر معنوی، مغز متفکر جرم،

مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر، مسؤولیت کیفری نیابتی.

۱. تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۶/۴/۱۷، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۶/۸/۱۷.

۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام؛ نویسنده‌ی مسؤول:

درآمد

فاعل معنوی جرم مغز متفکر جرم است که بدون ارتکاب عنصر مادی جرم به هدف خویش نائل می‌شود. او جرم مورد نظر را توسط افراد فاقد مسؤولیت کیفری یا افرادی که دارای حسن نیت می‌باشند و با هدف انجام وظیفه مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند، انجام می‌دهد. این افراد واسطه، فاقد عنصر روانی اند و در این حالت، مرتکب جرم همان محرک است که با مهندسی او دیگری جرم را محقق می‌سازد و مباشر هم واسطه‌ای بی‌تقصیر محسوب می‌شود.

مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر مندرج در ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱، حالتی است که فرد در ارتباط با نتیجه‌ی رفتار مجرمانه‌ی دیگری دچار تقصیر می‌شود یا وظایف نظارتی خود را به درستی انجام نمی‌دهد؛ و یا از نظر قانون مسؤول رفتار دیگری است. مثال فرض نخست، عدم نظارت کارفرما بر کارگران و ارتکاب جرم غیر عمدی توسط کارگر؛ و حالت دوم بر وضعیت ولی نسبت به اعمال صغیر انطباق دارد.

بررسی رابطه‌ی منطقی بین مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر و فاعل معنوی جرم در حقوق ایران که کم‌تر از سوی حقوق دانان مورد مذاقه قرار گرفته است؛ و بررسی مصادیق فاعل معنوی جرم، موضوع این مقاله است که در راستای رسیدن به پاسخ، در گام نخست به صورت مختصر ضمن تبیین ماهیت فاعل معنوی جرم، مباحث مربوط به مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر و رابطه‌ی میان این دو اصطلاح مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم فاعل معنوی جرم و مصادیق آن

فاعل معنوی جرم را کسی دانسته‌اند که جرم را با واسطه‌ی دیگری انجام می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۹۲/۲؛ زراعت، ۱۳۸۴: ۲۶۴). هم‌چنین گفته شده است حالت فاعل معنوی نوعی مباشر مع‌الواسطه است که در آن مجرم شخصاً در ارتکاب جرم دخالتی ندارد و دیگران را وادار به ارتکاب جرم می‌کند

۱. «مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتکابی دیگری مرتکب تقصیر شود».

(شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۳۱۲). از جمع این تعاریف می‌توان گفت فاعلیت معنوی در جرم وقتی محقق می‌شود که متهم از فردی که ظرفیت و توانایی ارتکاب جرم را ندارد و عنصر معنوی برای ارتکاب جرم نیست، برای انجام جرم استفاده کند.

۱-۱. استفاده از ضعف نفس و عدم آگاهی دیگران

استفاده از فرد جاهل یا صغیر غیر ممیز و مجنون در ارتکاب جرم را مصداقی از فاعلیت معنوی در جرم دانسته‌اند؛ با این استدلال که مباشر معنوی در ارتکاب جرم از ضعف نفس یا بی‌اطلاعی مباشر جرم بهره می‌برد (محسنی، ۱۳۷۶: ۴۹؛ شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۳۱۲/۲). در ماده‌ی ۱۲۸ قانون مجازات اسلامی^۱ و مواد مشابه^۲ قانون‌گذار فرد صغیر یا مجنون را که جرم به وسیله‌ی وی انجام شده است، مسؤول نمی‌داند و مجازات را برای فاعل معنوی در نظر می‌گیرد. در مواردی هم که مباشر نسبت به حکم یا موضوع جاهل باشد، هم همین حکم جاری است (شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۱۸۹/۲).

این موضع در حقوق انگلستان هم که کودکان زیر ده سال را به نحو غیر قابل انکار^۳ فاقد صلاحیت برای ارتکاب جرم می‌دانند، اتخاذ شده است و اگر از چنین کودکی به عنوان وسیله‌ی ارتکاب جرم استفاده شود، به عنوان فاعل معنوی قابل تعقیب است؛ هر چند فرض نداشتن مسؤولیت کیفری در مورد اطفال ده تا چهارده ساله در قسمت ۳۴ قانون جرم و بی‌نظمی^۴ قابل انکار است (herring, 2011: 928).

۱. «هر کس از فرد نابالغ به عنوان وسیله ارتکاب جرم مستند به خود استفاده نماید، به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می‌گردد...».

۲. ماده‌ی ۲۷۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد، رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری است»؛ هم‌چنین طبق ماده‌ی ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد، یا افرادی را به این امر بگمارد، به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق به دست آورده است محکوم خواهد شد».

3. irrebuttable presumption

4. The Crime and Disorder Act

به موجب این ماده فرض قابل انکار عدم مسؤولیت کیفری اطفال ۱۰ ساله یا بیشتر منسوخ می‌گردد.

قانون مجازات اسلامی در ماده‌ی ۵۲۶^۱ استفاده از طفل یا مجنون برای ارتکاب جرم را تحت عنوان سبب اقوی از مباشر بحث می‌کند این دو منافاتی با هم ندارند؛ چرا که در حقوق اسلامی سبب اقوی از مباشر، از مصادیق فاعل معنوی جرم است.

۲-۱. استفاده از افراد فاقد سو نیت

قانون‌گذار گاه حالتی را که فردی واقعیتی را در ذهن خود تغییر می‌دهد و به وسیله‌ی دیگری آن را به صورت مقلوب در عالم خارج منعکس می‌کند، مشمول عنوان فاعل معنوی جرم دانسته است؛ ولی برای عاملی که جرم را مرتکب می‌شود در صورت نداشتن سوء نیت، مجازاتی مقرر نمی‌کند. مواد ۴۹^۲ و ۵۱^۳ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵، اعلام‌کننده‌ی مطالب بر خلاف حقیقت به مراجع رسمی یا به نویسندگی یک سند را فاعل معنوی جرم می‌داند. طبق ماده‌ی ۵۲^۴ این قانون، مجازات مرتکب مادی منوط به آن است که عالماً و عامداً گواهی را خلاف واقع اعلام کند و این فرض را مصداق فاعل معنوی ندانسته‌اند (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۶۰).

۳-۱. داشتن اقتدار قانونی یا عملی

فرض دارا بودن اقتدار بر دیگری، گاه ناشی از قانون است و گاه این اقتدار در عمل موجودیت می‌یابد.

۱. «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است.»

۲. «اشخاص زیر به حبس جنجه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهند شد: الف- اشخاصی که در اعلام ولادت یا مرگ یا هویت بر خلاف واقع اظهار نمایند...»

۳. «هر کس عالماً عامداً پدر و یا مادر طفل را به غیر از پدر و یا مادر واقعی در اسناد و دفاتر ثبت احوال اظهار و برگ ولادت یا شناسنامه دریافت کند، به حبس جنجه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۴. مأمورانی که عالماً یا عامداً در جرایم مذکور در مواد ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ این قانون به هر نحوی از انحاء کمک نمایند یا گواهی‌های خلاف را ملاک اجرای وظایف قانونی خود قرار دهند، به مجازات مرتکب اصلی محکوم خواهند شد.»



۱-۳-۱. آمر قانونی

امر آمر قانونی به عنوان یکی از علل موجهه‌ی جرم است که در بند پ ماده‌ی ۱۵۸^۱ قانون مجازات اسلامی مطرح شده است. در مورد ارتباط آمر و مأمور سه نظریه‌ی اطاعت کامل، وظیفه‌ی مأمور به بررسی امر آمر و نظریه‌ی تفصیلی ارائه شده است. در نظریه‌ی اطاعت کامل برای ایجاد یک نظم اداری منسجم، مأمور باید دستور آمر را بدون چون و چرا و بررسی انجام دهد. در نظریه‌ی دوم، مأمور باید صحت یا سقم دستور آمر را بررسی کند و در صورت تأیید، آن را اجرا نماید؛ نظریه‌ی بینابین یا تفصیلی نیز بین امری آشکارا نامشروع و امری که در ظاهر نامشروع نمی‌باشد، قائل به تفکیک شده است و چنانچه ظاهر امر قانونی و مشروع باشد، مأمور مکلف به قبول آن است. نظریه‌ی تفصیلی با اصول حقوقی هماهنگ‌تر است؛ نظریه‌ی اول مأمور را به آلتی در دست آمر تبدیل می‌کند؛ اعمال نظریه‌ی دوم هم موجب می‌شود اشکال تراشی‌های مأمور، نظم اداری را مخدوش نماید (نوربها، ۱۳۷۵: ۲۶۸-۲۷۱؛ شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۴۵۴).

در فرض آمر و مأمور، آمر با داشتن اقتدار قانونی یا عملی مانند رابطه‌ی استادکار نسبت به شاگرد خود، بی‌آن که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشد، جرم را واقع می‌سازد. ماده‌ی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵^۲ مثالی از این حالت است. هم‌چنین می‌توان به مواد ۵۷۸^۳ و ۵۷۹ همین قانون^۴

۱. افزون بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست: ... پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی‌صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد».

۲. «هر گاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی‌صلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفسال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد».

۳. ماده‌ی ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند، شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

۴. ماده‌ی ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «چنانچه هر یک از مأمورین دولتی محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم نبوده است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است، به حبس

اشاره نمود. در این مواد، اقتدار افراد موجب تحقق رفتار مجرمانه از سوی فرد مادون می‌شود؛ بنابراین اگر مأمور حسب دستور مقام مافوق خود کسی را شلاق بزند یا به دار آویزد، وی را در حکم وسیله‌ی ارتکاب جرم و فاقد مسؤلیت دانسته‌اند (شکری، ۱۳۸۷: ۵۸۸).

۱-۳-۲. اکراه

مطابق ماده‌ی ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هر گاه کسی بر اثر اکراه غیر قابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌گردد...». گاه اکراه ناشی از تفوق مقام و اجبار مقام مادون از مقام مافوق می‌باشد. در واقع امر آمر گاه در بالاترین سطح خود به حد اکراه می‌رسد که در این موارد، مسؤلیت عهده‌ی مقام اکراه کننده به عنوان فاعل معنوی است؛ به عنوان مثال، ماده‌ی ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی^۱ با وجود اکراه مأمور، مسؤلیت را بر فاعل معنوی جرم بار کرده است.^۲

در مسؤلیت کیفری ناشی از فعل غیر یا مسؤلیت نیابتی، همانند فاعل معنوی جرم، فرد در ارتکاب جرم نقشی ندارد، اما به دلیل مصالحی واجد مسؤلیت کیفری شناخته شود. ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصادیق مسؤلیت کیفری ناشی از فعل غیر (مسؤلیت نیابتی) را در دو فرض دارا بودن وظیفه در قبال رفتار دیگری و ارتکاب تقصیر نسبت به رفتار مرتکب پذیرفته است.

۲. قلمرو فاعل معنوی جرم

پرسش اصلی این که آیا فاعلیت معنوی جرم صرفاً در جرایم عمدی قابل

از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود، فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد، مباشر به مجازات آن نیز محکوم می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد، مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد.»

۱. «مگر این که ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است، مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد...».

۲. در این خصوص بنگرید به: مرادی، ۱۳۷۳: ۷۴؛ شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۳۱۲.

تصور است یا این که در جرم غیر عمد نیز محقق می‌شود.

برخی از حقوق دانان قلمرو فاعل معنوی را به جرایم غیر عمد نیز گسترش داده و در مثال گفته شده است: در جایی که یک شکارچی پس از بازگشت از شکار، فشنگ‌ها را از تفنگ خود خارج ننموده و تفنگ پر را در دسترس کودکی قرار می‌دهد و کودک برای بازی و تفریح ماشه را بچکاند و موجب مرگ دیگری شود، علت این مرگ همان شکارچی است و او فاعل معنوی است» (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۸۷: ۲۷). کمیسیون مشورتی اداره‌ی حقوقی وزارت دادگستری در سال ۱۳۳۴ به موجب نظر مشورتی که با این نظر هماهنگ است، در مورد فردی که وسیله‌ی نقلیه‌ی خود را در اختیار فردی که گواهی‌نامه ندارد قرار می‌دهد و بر اثر رانندگی وسیله‌ی نقلیه واژگون شده و موجب قتل راننده می‌شود، می‌گوید «تهیه کننده‌ی وسیله، فاعل معنوی قتل غیر عمد بر اثر بی‌احتیاطی محسوب می‌شود» (مرادی، ۱۳۷۳: ۵۴).

در میان حقوق دانانی که به بحث از فاعل معنوی جرم پرداخته‌اند، این مسأله به صورت شفاف مورد مذاقه قرار نگرفته است، ولی به نظر می‌رسد با توجه به مصادیق فاعل معنوی که در سطور قبلی ذکر شد، فرض وجود فاعل معنوی جرم در جرایم عمدی میسر است و در صورت عامد نبودن فاعل معنوی، مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر محقق می‌شود. در موارد مطروحه به عنوان فاعل معنوی در جرایم غیر عمدی، فاعل معنوی نسبت به رفتار دیگری مرتکب تقصیر شده است پس به عنوان مسؤول کیفری ناشی از فعل غیر ذیل ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح می‌شود. به رغم آن چه بیان شد، تعریف حقوق دانان از فاعل معنوی جرم مبنی بر این که دیگری را وادار به ارتکاب جرم می‌کند یا او را برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار می‌دهد، نشان‌دهنده‌ی ضرورت عمد فاعل معنوی در ایجاد جرم است.

۲. ماهیت عمل فاعل معنوی

حقوق دانان در خصوص ماهیت عمل فاعل معنوی جرم اتفاق نظر دارند و البته برخی ماهیت عمل فاعل معنوی جرم را ذیل عنوان «معاونت» قرار می‌دهند و

بعضی دیگر به تبعیت از فقه این عنوان را ذیل اصطلاح سبب اقوی از مباشر بحث می‌کنند و دسته‌ی سوم نیز آن را منطبق بر مباشرت در جرم می‌دانند.

۳-۱. معاونت در جرم

معاون جرم بدون آن که به نحو مستقیم و راساً در عملیات اجرایی جرم شرکت کند، در موارد پیش‌بینی شده در قانون، مجرم یا مجرمان را در ارتکاب جرم کمک می‌کند (شمس ناتری، ۱۳۹۵: ۱۲۶/۱). عده‌ای نظریه‌ی فاعل معنوی جرم را پوششی برای جبران نقصی می‌دانند که در نظریه‌ی استعاره‌ای بودن معاونت (معاون ماهیت مجرمانه‌ی رفتار خود را از مجرم اصلی می‌گیرد) وجود دارد؛ طبق نظریه‌ی استعاره‌ای، وقتی می‌توان معاون را تحت تعقیب قرار داد که جرم اصلی اتفاق افتد و مباشر دارای مسؤولیت کیفری باشد. ایشان معتقدند که طبق اصول اگر مرتکب اصلی به خاطر یک کیفیت شخصی قابل تعقیب نباشد، معاون جرم از مسؤولیت کیفری مبرا نمی‌شود؛ پس طبق این نظریه، فردی که طفل یا مجنونی را برای ارتکاب جرم به کار گیرد، قابل تعقیب نیست؛ چون مباشر مسؤولیت ندارد؛ ولی بر اساس نظریه‌ی فاعل معنوی جرم، می‌توان او را با این که معاون جرم است، تحت عنوان فاعل معنوی تعقیب کرد (زراعت، ۱۳۹۳: ۲؛ حق پناهیان، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

۳-۲. تسبیب

ماده‌ی ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ در تعریف تسبیب آورده است: مسبب سبب وقوع جرم است و در ارتکاب جرم به طور مستقیم وارد نمی‌شود و خلاصه این که از نبودش نبود جرم حاصل می‌گردد، اما از وجودش لزوماً جرم حاصل نمی‌شود.

اکثر حقوق‌دانان فاعل معنوی جرم را ذیل عنوان «سبب اقوی از مباشر»

۱. «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود؛ به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند».

مورد بحث قرار داده‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۹۳/۲؛ شامبیاتی، ۱۳۷۲: ۱۸۹/۲). به نظر می‌رسد طبق ماده‌ی ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته است «... در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیر ممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد فقط سبب ضامن است»؛ می‌توان گفت در فرضی که شخصی از افراد مذکور در این ماده یعنی صغیر غیر ممیز، مجنون و... برای ارتکاب جرم استفاده نماید، فقط آن شخص سبب ضامن می‌باشد و قبلاً ذکر شد که فردی که مجنون، صغیر غیر ممیز و... را در ارتکاب جرم به کار می‌گیرد، فاعل معنوی جرم بوده که در این جا قانون‌گذار آن را سبب (اقوی از مباشر) دانسته است.

۳-۲. مباشر جرم

هر گاه کسی از طریق اشخاص فاقد سوء نیت مرتکب جرمی شود، عمل ارتكابی در حکم مباشرت است؛ بنابراین اگر مأمور حسب دستور مقام مافوق خود کسی را شلاق بزند یا به دار آویزد، در حکم وسیله‌ی ارتکاب جرم و فاقد مسؤولیت است و دستور دهنده تحت عنوان مباشر معنوی جرم محکوم به مجازات می‌شود (شکری، ۱۳۸۷: ۵۸۸). در این خصوص گفته شده است «اگر کسی مال را از حرز توسط طفلی بیرون بیاورد، مثل حالتی است که آن را توسط یک پرنده یا خودش بیرون آورد»^۱ (موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۴۹۷/۲). برخی فقها در همین فرض، فردی را که در ارتکاب جرم از اشخاص فاقد مسؤولیت کیفری مانند صغیر یا مجنون استفاده می‌کند، مباشر دانسته و میان فرضی که مباشر جرم را با وسیله‌ای که در دست دارد انجام می‌دهد و موردی که جرم را با استفاده از فرد جاهل فاقد سوء نیت انجام می‌دهد تفاوتی قائل نیستند؛ از جمله گفته شده است: «اگر فردی از صغیر غیر ممیز یا مجنون در ارتکاب جرم استفاده کند در این جا این صغیر غیر ممیز یا مجنون در حکم آلتی برای مباشر جرم هستند و قطع ید در مورد همین شخص اجرا می‌شود»^۲ (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۹۷/۹) و یا در زبده الفقهی هم شبیه همین

۱. و يتحقق الإخراج بالمباشره كما لو جعله على عاتقه و أخرجه أو بالتسبب كما لو شده بحبل ثم يجذبه من خارج الحرز، أو يضعه على دابة من الحرز و يخرجها، أو على جناح طائر من شأنه العود إليه، أو أمر مجنوناً أو صبياً غير ممیز بالإخراج.

۲. «...أو يأمر غير ممیز من صبى، أو مجنون بإخراجه فإن القطع يتوجه على الأمر ... لأنهما كالآله له»

فتوا مندرج است (ترحینی، ۱۴۲۷: ۳۵۹/۹).

۴. نقد نظریه‌ها

نظریه‌های پیش‌گفته با توجی‌هات مسستند به مواد قانونی همراه است. یکی از قائلان به معاونت ذیل ماده‌ی ۱۷۲ قانون کار^۱، عبارت سبب اقوی از مباشر را واجد مبنای فقهی دانسته است (سلیمی، ۱۳۹۴: ۱۳۶)؛ هم‌چنین در توجیه ماده‌ی ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی که فاعل معنوی جرم را مباشر دانسته است، گفته‌اند: «در ماده‌ی ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی سبب اقوی از مباشر به عنوان مباشر تلقی شده است؛ چرا که فرد مباشر از صغیر و مجنون در ارتکاب جرم بهره می‌برد» (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۷۴/۲).

۴-۱. نظریه‌ی معاونت

در رد نظریه‌ی معاونت می‌توان گفت در تمامی مصادیق فاعل معنوی (استفاده از فرد جاهل، صغیر غیر ممیز مجنون و...) وحدت قصد لازم برای تحقق معاونت موجود نیست؛^۲ افزون بر این، افعال مادی معاونت در جرم منحصر در موارد مذکور در ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات است و فاعل معنوی جرم هیچ یک از آن موارد را انجام نمی‌دهد. این استدلال که فاعل معنوی با مهندسی جرم به شخص عامل طریق ارائه می‌دهد که نوعی معاونت است، با این ایراد مواجه است که وجود وحدت قصد در ارائه‌ی طریق به عنوان یکی از افعال مادی معاونت ضروری است. پذیرش عاریتی بودن رفتار معاون نسبت به مرتکب اصلی به معنی عاریتی بودن در بحث عوامل مانع مسؤولیت کیفری نیست و این مهم در ماده‌ی ۱۲۹ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قرار گرفته است (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۲۹۶/۱)؛ هم‌چنین

۱. «کار اجباری با توجه به ماده ۶ این قانون به هر شکل ممنوع است ... هر گاه چند نفر به اتفاق یا از طرفین یک موسسه، شخصی را به کار اجباری بگمارند، هر یک از متخلفان به مجازات فوق محکوم و مشترکاً مسؤول پرداخت اجرت‌المثل خواهند بود مگر آن که مسبب اقوی از مباشر باشد که در این صورت مسبب شخصاً مسؤول است».

۲. تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی: «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنان‌چه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آن‌چه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود».

دور از ذهن است فردی را که اراده‌ی ارتکاب جرم ندارد، به عنوان مباشر اصلی؛ و فاعل معنوی را به عنوان معاون تلقی کنیم.

۴-۲. انطباق فاعلیت معنوی جرم با نظریه‌های مباشرت و سبب

اقوی از مباشر

با توجه به رد نظریه‌ی معاونت، باید یکی از دو نظریه‌ی دیگر را مدّ نظر قرار داد که از باب اقوی بودن سبب مشترک است و در هر دو، رکن پیشین در رکن مادی جایگزین رکن پسین می‌شود و به عبارتی، رفتار عامل بدون سوء نیت در هیچ یک از نظریه‌های شکننده‌ی زنجیره‌ی سببیت نیست، پس باید به رکن قبلی (سبب یا فاعل معنوی) رجوع کرد و حکم به مسؤولیت او داد.

برای بررسی دقیق‌تر دو نظریه‌ی آخر، توجه به تعریف مباشر و سبب در معنای عام و خاص ضروری است. در مباشرت به معنای عام، عنوان فاعل مادی اراده می‌شود که اعم از ارتکاب با واسطه (برانگیختن یک سگ) و بی‌واسطه (کشتن با دست یا چاقو) است؛ و منظور از مباشرت به معنای خاص، مانند ارتکاب بدون واسطه‌ی جرم است. تسبیب به معنای عام، گاه فاعل جرم و گاه شرط است (محمدخانی، ۱۳۸۹: ۹۸-۹۴).

اگر سبب جرم را به واسطه‌ی عنصر مادی مرتکب شود و عرف جرم را به وی منتسب بداند، فاعل جرم محسوب می‌شود؛ مانند حالتی که فرد برای ارتکاب جرم از یک حیوان بهره می‌گیرد و این همان نکته‌ای بود که در کلام فقها قبلاً ذیل بحث مباشرت ذکر شد. از سوی دیگر بر خلاف نظر توجیهی ذیل ماده‌ی ۲۷۲ قانون مجازات اسلامی که سبب اقوی از مباشر تلقی شده است، باید گفت قانون‌گذار هر گاه نظر بر اقوی بودن سبب از مباشر دارد مانند فروض مندرج در مواد ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵^۱، ۱۷۲ قانون کار و ۳۳۲ قانون مدنی^۲، به آن تصریح نموده است، ولی در ماده‌ی ۲۷۲ با تصریح به این که «مباشر محسوب

۱. «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر این که سبب اقوی از مباشر باشد».
 ۲. «هر گاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسؤول است نه مسبب مگر این که سبب، اقوی باشد به نحوی که عرفاً ائتلاف مستند به او باشد».

می‌شود»، نظر بر این دارد که استفاده از مصادیق مذکور در بحث فاعل معنوی، فرد را از مباشر بودن خارج نمی‌کند؛ چرا که عرفاً ارتکاب جرم به او مستند است.

۳-۴. نظریه‌ی مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر

در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله، به بحث پیرامون نظریه‌هایی می‌پردازیم که به عنوان مبنای مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر مطرح شده است: دو نظریه‌ی خطر و تقصیر بیش از نظریه‌ی فاعل معنوی جرم مورد توجه قرار گرفته است. نظریه‌ی خطر بر این مبناست که وقتی شخصی از انجام یک فعالیت منافی کسب می‌کند، باید خطرات آن را هم متحمل شود (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۷۶)؛ پس کارفرما یا رئیس کارخانه‌ای که مکانی را برای کسب سود ایجاد می‌کنند، باید زیان‌های آن را هم عهده‌دار شود؛ این مسؤولیت کیفری، عوض منافی است که کسب نموده است. در میان حقوق دانان تقریباً فائلی برای این نظریه وجود ندارد؛ و آن را فرضی دور از واقعیت می‌دانند که منطبق با اصول عقلی و منطقی منطبق نیست (ساکی، ۱۳۹۳: ۸۶). مطابق نظریه‌ی تقصیر یا خطا، افرادی که مسؤولیت یک مجموعه را بر عهده دارند، باید از افراد دارای صلاحیت بهره‌گیرند؛ بر رفتار آن افراد نظارت کافی داشته باشند و تعلیمات لازم را به آن‌ها بدهند (ساکی، ۱۳۹۳: ۸۷). ایراد وارد به این نظریه، محدودی نظارت فرد مسؤول است؛ به عنوان مثال، مدیر موسسه‌ی باربری که بار را تحویل راننده می‌دهد، تا کی باید بر او نظارت کند (ساکی، ۱۳۹۳: ۸۷).

در نظریه‌ی فاعل معنوی جرم، مسؤولیت کارفرما به مسؤولیت فاعل مادی ضمیمه می‌شود. در اینجا مدیر مسؤول بدون آن که در عنصر مادی دخالتی داشته باشد، مباشر معنوی جرم ارتکابی توسط کارمند است و کافی است که خطای کارفرما به عنوان دلیل غیر مستقیم ارتکاب جرم ثابت شود و وجود رابطه‌ی قراردادی یا قانونی ضرورتی ندارد. به عنوان مثال، مالک اتومبیل که از نقص آن آگاه است و به دیگری اذن به راندن آن می‌دهد، مسؤول حوادث ناشی از رانندگی است. قبول این نظریه که بدون وجود رابطه‌ی قراردادی یا قانونی میان کارگر و کارفرما و یا دیگران، فرد را به صرف خطا مسؤول اعمال دیگری می‌داند، موجب تفسیر موسع

قوانین کیفری است. در این نظریه برخی از حقوق‌دانان عنوان فاعل معنوی را برای جرایم غیر عمد هم در نظر گرفته و معتقدند فرد مسؤول به جهت خطا و تقصیری که از او سرزده است، فاعل معنوی جرم محسوب می‌شود (نوربها، ۱۳۶۹: ۲۵۶)؛ ولی همان‌گونه که در باب مصادیق فاعل معنوی مطرح شد، فاعل معنوی با سوء نیت وجود جرمی را پی‌ریزی می‌کند.

نتیجه این که، منطق نظریه‌ی تقصیر و فاعل معنوی بسیار به هم نزدیک است و وجه برتری این دو بر نظریه‌ی خطر، آن است که در این دو تقصیر فرد، موجب مسؤولیت کیفری برای او است و تفاوت این دو در وجود رابطه‌ی قانونی و قراردادی است؛ رابطه‌ای که با نص ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی و اصول حقوق کیفری هماهنگ‌تر است؛ پس به‌رغم ایرادی که به نظریه‌ی خطا وارد شد، این نظریه بر دیگر نظریات رجحان دارد.

۴-۴. نسبت فاعل معنوی با مسؤول کیفری ناشی از فعل غیر

در تبیین رابطه‌ی میان فاعل معنوی جرم و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر باید گفت:

اولاً، ارتکاب جرم عمدی توسط مباشر در ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی دیده نشده و بنای مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر در جرایم غیر عمد وجود دارد؛ و لذا اگر مباشر مرتکب جرم عمدی شود، خود مسؤول است و فرض مسؤولیت کیفری برای دیگری محقق نمی‌شود.

ثانیاً، میان فرد مسؤول و دیگری باید رابطه‌ای قانونی یا قراردادی موجود باشد؛ به عنوان مثال، مسؤولیت پدر نسبت به رفتار مجرمانه‌ی فرزند، رابطه‌ای قانونی است، ولی رابطه‌ی میان کارفرما و کارگر، ناشی از قرارداد است؛ و گاه رابطه‌ی قراردادی وجود ندارد و فرد در تحقق عمل مجرمانه‌ی مباشر مرتکب تقصیر شده است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۰: ۸۱-۷۹).

ثالثاً، جایگاه هر دو عنوان از این جهت که در ارتکاب رفتار مادی جرم دخالت ندارند و هر دو از بابت فعل دیگری مسؤول شناخته می‌شوند، شبیه به هم است، پس می‌توان مسؤولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری قابل پیش‌بینی است که

فاعل معنوی جرم و ارتباط آن با عناوین مشابه

ذیل آن دو عنوان مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر و فاعل معنوی قرار می‌گیرد. به عنوان نظر نهایی می‌توان گفت اگر عنوان فاعل معنوی جرم را محدود به جرایم عمدی بدانیم که چنین هم نتیجه گرفتیم؛ آن گاه باید بگوییم اگر چه در هر دو عنوان مسؤولیت ناشی از فعل غیر است، اما با توجه به شرایط تحقق آن‌ها، این دو رابطه‌ای با هم ندارند و نسبت به هم متباینند؛ چرا که در یکی، فرد با سوء نیت از فردی ناآگاه و بدون قصد برای ارتکاب جرم به عنوان وسیله بهره می‌برد؛ ولی در دیگری، فرد در اثر تقصیر و عدم انجام مسؤولیت‌های قانونی یا قراردادی، در مسؤولیت ناشی از جرم غیر عمد دیگری سهیم می‌شود. چنانچه فرض فاعل معنوی جرم (فاعل معنوی در معنای اعم) در جرایم غیر عمدی هم پذیرفته شود، آن گاه باید بر آن بود که این دو عنوان در مصادیقی مشترک می‌شوند. اگر رابطه‌ی بین این دو عنوان عموم و خصوص مطلق فرض شود، به نتیجه‌ی درستی نرسیده‌ایم؛ چرا که مسؤولیت کیفری نیابتی نیازمند رابطه‌ی قراردادی یا قانونی است؛ پس در هر حالت باید گفت که در صورت پذیرش فرض فاعل معنوی در جرایم غیر عمدی، رابطه‌ی این دو عنوان عموم و خصوص من وجه خواهد بود.

برآمد

۱- مصادیق فاعل معنوی جرم عبارت است از استفاده از افراد فاقد مسؤولیت کیفری مانند صغیر و مجنون، استفاده از افراد فاقد سوء نیت، داشتن اقتدار (مانند امر آمر در محیط‌های نظامی).

۲- فرض فاعل معنوی در جرایم غیر عمدی وجود ندارد؛ لذا باید گفت اگر چه فاعل معنوی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر از بابت عدم دخالت در عنصر مادی جرم مشترک اند، اما بین آن‌ها رابطه‌ی تباین برقرار است. برخی حقوق دانان نیز فرض فاعل معنوی جرم را در جرایم غیر عمدی هم متصور می‌دانند که در این صورت، در مصادیقی بین فاعل معنوی و مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر موضوع ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی اشتراک وجود دارد و رابطه‌ی میان این دو، عموم و خصوص من وجه است.

۳- قانون‌گذار برخی از مصادیق فاعل معنوی را جرم‌انگاری کرده است؛ اما به نظر می‌رسد پوشش تمامی مصادیق فاعل معنوی ضروری است و باید در کلیات قانون مجازات اسلامی مورد جرم‌انگاری قرار گیرد. این امر موجب می‌شود قانون‌گذار الزامی به بیان مصادیق آن در قوانین نداشته باشد؛ همان‌گونه که با وجود ماده‌ی ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی، تصریح به مصادیق مسؤولیت کیفری ناشی از فعل غیر در قانون ضرورتی نخواهد داشت.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.
- شکری، رضا، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: طیف‌نگار، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.
- حق‌پنایان، عباس، *بررسی و تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: جنگل، چاپ نخست، ۱۳۹۳.
- زراعت، عباس، *حقوق جزای عمومی*، جلد نخست، تهران: ققنوس، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
- افراسیابی، محمداسماعیل، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: فردوسی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
- سلیمی، صادق، *چکیده‌ی حقوق جزایی*، تهران: جاودانه جنگل، چاپ ششم، ۱۳۹۴.
- ساکی، رضا، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: جاودانه جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ ششم، ۱۳۷۳.
- کارخیران، محمدحسین، *کامل‌ترین مجموعه محشای قانون مجازات اسلامی جدید*، جلد دوم، تهران: راه نوین، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- شامبیاتی، هوشنگ، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: کیان، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
- نوربها، رضا، *حقوق جزای عمومی*، تهران: کانون وکلای دادگستری مرکز، چاپ نخست، ۱۳۶۹.
- محمدخانی، عباس، «*نقدی بر یک رأی در خصوص سبب اقوی از مباشر*»، مجله‌ی حقوقی دادگستر، شماره‌ی ۷۰، تابستان ۱۳۸۹.
- زراعت، عباس، *فاعل معنوی جرم*، پیام آموزش، شماره‌ی ۱۶، ۱۳۹۳.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*،

- تهران: میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
- محسنی، مرتضی، *دوره حقوق جزای عمومی (مسئولیت کیفری)*، جلد سوم، تهران: گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۷۶.
- میرمحمدصادقی، حسین، *حقوق جزای اختصاصی ۲ (اموال و مالکیت)*، تهران: میزان، چاپ سی و نهم، ۱۳۹۳.
- نوربها، رضا، *زمینه‌ی حقوق جزای عمومی*، تهران: کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- مرادی، حسن، *شرکت و معاونت در جرم*، تهران: میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۳.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، جلد دوم، قم: دارالعلم، ۱۴۰۹ هجری قمری.
- عاملی ترحینی، سید محمدحسین، *الزبدہ الفقہیہ فی شرح الروضہ البہیہ*، جلد نهم، قم: دارالفقہ للطباعه و النشر، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ هجری قمری.
- برهانی، محسن و الهام، غلام‌حسین، *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*، جلد نخست، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
- Herring, Jonathan, *Criminal law*, Eighth edition, uk, PALGRAVE MACMILLAN, 2011.
- Herring, Jonathan, *Criminal law Text, Cases, and Materials*, FIFTH EDITION, 2012.
- Bohlander, Michael, *Studies in International and Comparative Criminal Law*, 2009.